

ف. مراداف

فولکلور و حاجی حسین ختلائی

ادبیات شفاهی و خطی از قدیم‌الایام با هم داد و ستد داشته‌اند و این امر را می‌توان از نمونه‌های فولکلور تاجیک به خوبی مشاهده کرد که باعث رشد و کمال هر دو جانب گردیده است.

فولکلورشناس، مرحوم قمرالدین حسام‌اف این مسئله را بر پایه ضرب‌المثلها و مقال‌های تاجیک مورد تحقیق مخصوص قرار داد و آشکار نمود که از ۴۰۰ ضرب‌المثل و مقال، ۵۳ عدد آن در ایجاد شاعران واریانت خطی پیدا کرده‌اند و برعکس، بسیار ضرب‌المثل و مقال‌ها ایجاد ادیبان بوده، به ایجادیات شفاهی مردمی داخل گردیده‌اند.

در بایگانی فولکلور تاجیک از همه بیشتر پند و اندرزهای سعدی شیرازی گردآوری شده است. یکی از گفته‌های او «مُلک بی‌سیاست، علم بی‌بحث و مال بی‌تجارت نمی‌شود»، به اشکال مختلف منتشر گردیده است، یعنی راویان هر کدام بسته به مهارت و استعدادشان به آن چیزی همراه کرده‌اند. حاجی حسین نیز در یک غزل پندی حکیمانه، شبیه به پند سعدی را بسیار خوب آورده است:

بی‌سیاست نیست، حاجی، کار عالم را نظام

فتنه را باشد قرار از وحشت ارباب تیغ (ک.ص. ۲۱۳)

پند دیگر سعدی که در بایگانی فولکلور محفوظ است، چنین می‌باشد:

عیب خود ابله نبیند در جهان باشد اندر جستن عیب کسان

حاجی حسین ختلائی از این پند الهام گرفته، آن را در دو غزل خود استفاده می‌برد

که متن هر دو از جهت مضمون به کلی فرق می‌کند.

در غزل اول:

مگیر عیب کسان، تا به خود نیندیشی

گناه تهمت بی حد، عداوت موفر (ک. ص. ۱۷۳)

در غزل دوم:

حاجیا، نیکوترین مردمان دانی که کیست؟

آن که عیب خویش دید و از کسان نادیده رفت (ک. ص. ۷۶)

بیتی دیگر در بابگانی مذکور که بین مردم به طور وسیع مشهور گشته است:

بی تمیزی های مردم از سخن پیدا شود

پسته بی مغز اگر لب وا کند، رسوا شود

حاجی حسین این مضمون را چنین افاده نموده است:

خموش ماندن اهل خرد روا نبود

که مغز پسته عیان می کند گشادن لب (ک. ۴۹)

این بیت نیز در بین مردم شهرت زیادی دارد:

قامت خم گشته پیران نشان مرگ نیست

یک کمان صد تیر را در خاک پنهان می کند

حاجی حسین در اقتفای این مضمون می گوید:

قامت دم پیروی می کند وداع عمر

هر گهی به سلخ آید ماهتاب خم دارد (ک. ۱۴۹)

در بین مردم از دیر باز عقیده ای مرسوم بوده است که بر اساس آن احتیاط می کنند

تا در ماه صفر ظرفی شکسته نشود. زیرا اگر ظرفی بشکند، گویا خانواده گرفتار فلاکت و

بدیمنی می شود. این رسم در بین تاجیکان افغانستان نیز مشهور بوده ضرب المثل «در همه ماهها

سفر است، بدنام ماه صفر است» گواه آن می باشد.

حاجی حسین این تعامل خلق را با یک آب و رنگ شاعرانه، خیلی خوب به قلم

داده است:

ز رنگ زرد ما از دل شکستن احتیاطی کن

که در ماه صفر هر چه شکست آرد، شکست آید (ک. ۱۳۴)

فولکلور آئینه روزگار است و هر حادثه نیک و بد بدون میل و خواهش ما در آن

تجسم می‌یابد. مثلاً این مصرع، برای عده‌ای از زنها که اخلاق زشت و ناپاک دارند، گفته شده

است: «از زن غر، غر بروید، چونکه استادش غر است».

این خصلت ناپسند و نامطلوب که در اجتماع مشاهده می‌شود، دقت شاعر را به خود

جلب نموده، این بیت را گفته است:

خصلت بد ثمر ریشه ناپاک بود

مادرک غر نبود، دختر او غر نشود (ک. ۱۳۳)

در گنجینه خلق در وصف لاله سرودهایی موجودند که آوردن یکی از آنها به مورد است:

لاله را گفتم سیه‌دل بودنت از بهر چیست؟

گفت: حالش چون بود، هر کس که در صحرا نشست!؟

حاجی حسین واقع‌بینانه اظهار داشته است که غم و کلفت با شادی و سرور همیشه توأمند:

کلفت دنیا است، حاجی، توأم اقبال او

لاله را بی‌داغ نبود در کلاه سر شرف (ک. ص. ۲۱۴)

در بیت دیگر مردمی فانی و گذرا بودن دنیا و برای غم‌خواری نداشتن آن تأکید یافته است:

به دنیا دل نبند بنده که دنیا زار می‌ماند

همه می‌میرد و یک خالق جبار می‌ماند

همین موضوع در بیت ذیل حاجی حسین نیز به نظر می‌رسد:

به جهان چه بسته‌ای دل، مگر این فنا ندارد

همه گلشن سپهر است، گلی از وفا ندارد (ک.ص.۱۲۱)

بیت و یا مصرع‌های شبیه یکدیگر در ایجاد شاعران و راویان بسیار مشاهده می‌شود:

بر یاد رخت شو سیه روز کُنم
شب را به سر کوی تو من روز کُنم
شباً به سر کوی تو که روز نشید
جانکمه فدای یار دلسوز کُنم

این رباعی عشقی است. در غزل عشقی که حاجی حسین نوشته است، نیز یک

مصرع آن به رباعی بالا شباهت دارد:

از روی تو حاجی، خبری یافت چو بلبل

شبها به نوا در سر کوی تو سحر کرد (ک.۱۲۲)

طبق یک مقال:

سخن در زبان دُر است از زبان بر آمد، عالم پُر است

حاجی حسین این نکته را بسیار خود درک نموده است. او تأکید می‌کند که در

گفتن سخن، گوینده نه تنها به اتمام آن، بلکه به هر حرف و نکته دقت مخصوص باید داد.

سخن سنجیده به مورد و منطقاً درست باید گفته شود:

کسی موزن نباشد، نیست انسان

سخن سنجیده گویی نیست آسان...

به هر جا منطق موزن پسند است

مسجع حرف را قدر بلند است (ک. ۴۲۰)

گاهی در معرکه و صحبت‌ها سخن‌های زشت و ناروا مشاهده می‌شود که طبع کس را خیره می‌گرداند. در این حالت بی‌تی مردمی به خاطر می‌آید که به این قبیل کسان جواب خوبی شده می‌تواند:

سخن بسیار دان و اندکی گوی یکی را صد مگو، صد را یکی گوی
حاجی حسین ختلائی همیشه همراز و هم‌نفس مردم بود و از صحبت‌های گوینده و راویان بهره‌ور می‌گردید. چنین محفل‌ها او را به الهام می‌آوردند و او اثرهای فولکلوری را ماهرانه کار بست می‌کرد. حاجی حسین بی‌تی دارد که به اثر خلقی شبیه است:

نگار شوخ شنگ من، ز من چرا رمیده‌ای؟

ز صدق بی‌خطا بگو، ز من خطا چه دیده‌ای؟ (ک.ص. ۳۶)

در بین خلق این بیت بدین شکل شهرت زیاد دارد:

یسار نازنین من، از من چرا رنجیده‌ای؟

هر گپی فهمیده باشی، یار خطا فهمیده‌ای

در مورد به هر راهی به مقصود خود نایل شدن، مثلی است با مضمون: «یا به زوری،

یا به زاری، یا به زر». حاجی حسین ختلائی همین معنی را چنین آورده است:

به زوری یا به زر گردد میسر

علاجت من نمایم، باش خوشتر (ک.ص. ۴۷۱)

مهر و محبت وطن در دل و دیده همگان سخت مسکن گرفته است. این موضوع در

فولکلور نیز موقع بسزایی دارد. آفرینندگان اثرهای شفاهی با مجاز و ترکیبهای فهما و دلنشین

وطن و وطن‌داری را ترنم نموده، مهر آن را از همه گونه نعمت‌های دنیا اولی‌تر دانسته‌اند:

حب‌الوطن از تخت سلیمان خوشتر

خار وطن از لاله و ریحان خوشتر

یوسف که به مصر پادشاهی می‌کرد

صد کاش گدا بود به کنعان، خوشتر

همین مضمون را حاجی حسین در یک بیت خاطر نشان کرده است:

رفت سخن بر سر ختلان بود

حب وطن گوشه ایمان بود (ک.ص. ۴۲۳)

حاجی حسین تأکید می‌کند، که انسان نباید در غفلت ماند، زیرا غفلت و کاهلی مهارت و استعداد را پوشیده نگاه می‌دارد. سعی و کوشش به خرج دادن و عمل ثواب کردن انسان را به مرتبه والا می‌رساند:

به غفلت هم نفس باشی تو تا چند

چو گوهر زیر خس باشی تو تا چند

در فولکلور تاجیک نیز در خصوص این مسئله مضمون‌های مشابه دیده می‌شود:

خواب هنگام سحر کردن نشان غفلت است

ناکسان را تربیت کردن شکست دولت است

ناکسی گر از کسی بالا نشیند، عیب نیست

چونکه خس بالای آب و تحت دریا گوهر است

بررسی این موضوع خیلی دامنه‌دار است، در یک مقاله حل و فصل نخواهد شد، ولی

می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱ - داد و ستد ایجادیات شفاهی و ادبیات خطی از قدیم‌الایام جریان داشته، در

شکل و نمودهای مختلف صورت گرفته است.

۲ - تقلید و تنبع از اثر یکدیگر بین شاعران قدیم و معاصر همچون یک روند ادبی

معمول بوده است.

۳ - تأثیر متقابل اثرهای مردمی و ادبیات خطی باعث پیدایش، رشد و ترقی اثرهای

نو و تازه می‌گردد.